

رخداد

اعدام ۷ محکوم در فارس و ساری

■ **فارس:** حکم هفت نفر از قاچاقچیان موادمخدر که پس از محاکمه در دادگاه‌های انقلاب اسلامی استان فارس به اعدام محکوم شده بودند، اجرا شد. به گزارش روابط عمومی دادگستری استان فارس، این هفت متهم در شهرستان‌های آباده، نیریز، کارزون، بوانات و شیراز دستگیر شده بودند که حکم اعدام آنان پس از طی تشریفات دادرسی و صدور حکم و تایید دادستان کل کشور در شیراز اجرا شد. متهمان فعالیت‌هایی از قبیل خرید، حمل، نگهداری و ترانزیت موادمخدر سنتی و صنعتی را در استان فارس انجام می‌دانند در همین حال یک متجاوز به عفف صبح دیروز در شهرستان ساری بهدار اوپخته شد.

به گزارش روابط عمومی دادگستری استان مازندران، حجت‌الاسلام جعفری -دادستان عمومی و انقلاب ساری - با اعلام این خبر تصریح کرد: فرد محکوم با معرفی خود به عنوان ضابط، زنی را با اغفال و تهدید به مکانی منتقل کرده و پس از سرقت طلاهایش، وی را مورد تجاوز قرار داده بود. او افزونـد: پرونده این شخص به صورت ویژه مورد رسیدگی قرار گرفت و پس از طی تشریفات قانونی و قطعیّت یافتن حکم اعدام، این رای به مرحله اجرا درآمد.

قتل برای ۱۰۰ ادلاری جعلی

■ **شرق:** مردی که به خاطر یک اسکناس صد دلاری جعلی فردی را به قتل رسانده بود، شناسایی و دستگیر شد. سرهنگ «حسین حسین‌زاده»، رئیس پلیس آگاهی استان اصفهان دراین‌باره گفت: ماموران در پی مرگ مردی که مورد اصابت ضربات متعدد چاقو قرار گرفته بود، در بیمارستان حاضر و با شکم فرد ۲۷ساله‌ای مواجه شدند که از ناحیه سر و کتف مجروح شده بود. این مقام انتظامی تصریح کرد: در تحقیقات اولیه مشخص شد این جوان در نزاعی به قتل رسیده و قاتل بلافاصله از محل متواری شده است. رئیس پلیس آگاهی استان اصفهان گفت: تحقیقات ادامه داشت تا اینکه دو نفر از افرادی که در نزاع شرکت داشتند، شناسایی و دستگیر شدند. متهمان در بازجویی‌های اولیه اقرار کردند فردی به نام «صغر - ج» ضربات مرگبار را به مقتول وارد کرده است. او اضافه کرد: مخفیگاه این قاتل شناسایی شد و در عملیاتی ویژه دستگیر و به پلیس آگاهی استان منتقل شد و مشخص شد مقتول با دادن یک اسکناس صد دلاری جعلی مقداری موادمخدر و وجه نقد از متهم دریافت کرده بود و زمانی که متهم از جعلی بودن اسکناس مطلع شد و قصد بازپس گیری وجه و مواد خود را داشت، مقتول قبول نکرد و درگیری مرگبار به وقوع پیوست.

سارق طلافروشی ناکام ماند

■ **پلیس خیر:** مردی که قصد داشت به یک طلافروشی دستبرد برزند، قیـل از عملی کردن نقشه‌اش به دام افتاد. سرگرد امیرهوشنگ امیری، رئیس کلانتری ۱۵۹ بی‌سیم تهران ضمن بیان این مطلب اظهار داشت: ماموران با کسب چندین مورد گزارش‌های مردمی مبنی بر اینکه فردی به نام «مجید» در خیابان «نورزاده جنوبی» حرکات مشکوک دارد، بلافاصله وارد عمل شدند. او ادامه داد: ماموران با اطمینان از صحت خبر با انجام یکسری کنترل‌های نامحسوس ضمن بررسی موضوع متوجه شدند متهم قصد دارد از یک طلافروشی در خیابان اتابک سرقت کند به همین دلیل او را طی یک عملیات ضربتی به طور غافلگیرانه در منزلش دستگیر کردند و به کلانتری انتقال دادند.

سرگرد امیری ادامه داد: در بازرسی از منزل متهم تعداد زیادی کلید در انواع و اقسام مختلف و یک دستگاه لپ‌تاپ سرقتی کشف و ضبط شد. او ادامه داد: متهم در بازجویی‌های به‌عمل آمده صراحتا اقرار کرد قصد سرقت از طلافروشی واقع در خیابان اتابک را داشت.

انهدام باند خانوادگی کیف‌فابی

■ **پلیس خبر:** فرمانده انتظامی استان کرمانشاه از انهدام یک باند خانوادگی سرقت و اعتراف متهمان به ۲۳قفره کیف‌فابی خبر داد. سردار «کشوری» گفت: در پی دستگیری مردی جوان به اتهام کیف‌فابی و اعتراف او به ۱۵قفره کیف‌فابی هم‌دستان متهم در دستور کار ماموران قرار گرفت. سردار «کشوری» ادامه داد: پس از مدتی رزنتی و با کار اطلاعاتی ماموران، هم‌دستان متهم که زن و شوهری جوان هستند، شناسایی و دستگیر شدند. او افزود: متهمان که در تحقیقات اولیه منکر هرگونه کیف‌فابی بودند، وقتی با دلایل و اسناد معتبر پلیس از جمله تصاویر دوربین‌های مداربسته بانک از متهمان حین اخذ وجه از کارتهای مسروقه روبرو شدند، چارهای جز اعتراف ندیدند و علاوه بر مشارکت در ۱۵قفره کیف‌فابی با دیگر متهم پرونده، از هشت قفره کیف‌فابی دیگر نیز پرده برداشتند. سردار «کشوری» ادامه داد: بررسی‌های به عمل آمده حاکی از آن بود، متهم زن پرونده در سرقتها از لباس مبدل مردانه استفاده کرده و به عنوان ترکشنین اقدام به کیف‌فابی می‌کرده‌است. فرمانده انتظامی استان کرمانشاه در خاتمه خاطر نشان کرد: با پیگیری ماموران تمامی مالباختگان شناسایی شده و متهمان نیز پس از تکمیل پرونده، با دستور مقام قضایی روانه زندان شدند.

شرق: مجید، جوان اسیدپاش که آمنة بهرامی را از دو چشم نابینا کرده، دیروز در حالی محاکمه شد که وضعیت روحی‌اش به شدت آشفته‌بود و به درستی نمی‌توانست صحبت کند.

به گزارش خبرنگار ما، مجید که از هفت سال قبل بعد از اسیدپاشی به صورت آمنة زندانی شد بعد از گرفتن رضایت از آمنة در مورد قصاص هر دو چشم، دیروز در شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران به لحاظ جنبه عمومی جرم محاکمه شد.

در ابتدای جلسه محاکمه، ذبیح‌زاده نماینده دادستان از سه قاضی رسیدگی کننده به پرونده خواست تا با توجه به اعلام رضایت آمنة، متهم را به لحاظ جنبه عمومی جرم به مجازات محکوم کنند. سپس مادر آمنة که با توجه به نبودن دخترش در دادگاه حاضر شده بود، صحبت کرد و گفت: من تا آخرین لحظات نمی‌دانستم آمنة قصد رضایت دارد. روز اجرای حکم همه چیز آماده شد حتی سرم را هم به دست مجید وصل کردند و اسید هم در سرتگ کشیده شد

در این هنگام بود که آمنة گفت دیگر قصاص نمی‌خواهد.

همه ما از این حرف شوک شدیم.

او درباره نحوه اعلام رضایت دخترش و اینکه آیا گذشت او مشروط به دریافت دیه است یا خیر گفت: من درست نمی‌دانم اما فکر می‌کنم منظورش این بود که اگر دیه نگیره، قصاص می‌خواهد. البته در مورد این مساله آمنة خودش باید توضیح بدهد. در ادامه مجید در جایگاه حاضر شد. او که حال خوبی نداشت و به‌سختی می‌توانست صحبت کند گفت: من از کرم پشیمان هستم و عذرخواهی می‌کنم اصلا حالم خوب نشده بود. نمی‌توانم زیاد صحبت کنم. از آمنة هم خیلی ممنونم که رضایت داد و امیدوارم بتوانم کاری کنم که این اتفاق جبران شود. او در پاسخ به این سوال که آیا هنوز هم حاضر است با آمنة ازدواج کند، گفت: بله من هنوز هم آمنة را دوست دارم و حاضر با او ازدواج کنم. او تنها عشق زندگی من است. اگر آمنة قبول کند من حرفی ندارم. در این هنگام مادر آمنة گفت: من چناره آمنة را هم روی دوش این مرد نمی‌گذارم. او با ما کاری کرد که همه اعضای خانواده تحت تاثیر قرار گرفتند، اگر آمنة موهایش رنگ ندان‌هایش شود باز هم خودم از او نگهداری می‌کنم و اجازه نمی‌دهم با مجید ازدواج کند. دخترم قبل از اینکه صورتش با اسید سوزانده شود، خواستگاران زیادی داشت اما برای اینکه ادامه تحصیل بدهد همه را رد می‌کرد. مجید پیش آنها کسی نبود.

شرق: جلسه رسیدگی به پرونده مردی که متهم است هم‌خدمتی خود را به قتل رسانده، برای چندمین بار در دادگاه کیفری استان تهران در حالی برگزار شد که متهم و شاکی پرونده هر دو وکلای خود را برای بیان گفته‌هایشان به دادگاه فرستادند.

به گزارش خبرنگار ما، شش‌سال پیش مردی به ماموران پلیس خبر داد فرزندش محمد که سرباز وظیفه است، مدتی است به خانه نیامده و موصول یادگان هم می‌گویند او ناپدید شده است. به فاصله چند روز پلیس جسد جوانی را که با اسید و قیر سوزانده شده بود، پیدا کرد. جنازه تقریبا از بین رفته بود، اما هویت مقتول از طریق آزمایش دی‌ان‌ای آن شناسایی و مشخص شد این جسد متعلق به محمد است. با توجه به اینکه محل کشف جنازه نزدیکی یادگان محل خدمت مرد جوان بود، ماموران هم‌خدمتی‌های او را مورد بازجویی قرار دادند و متوجه شدند حسین هم‌خدمتی محمد رابطه دوستانه‌ای با وی داشت، اما بعد از مدتی آنها به مشکلاتی برخوردند

شرق: سه جوان معتاد که با بازی در نقش مامور مبارزه با مواد مخدر به‌طور شبانه به کارگاه‌های تولیدی دستبرد می‌زدند، در آخرین سرقت‌شان به دام افتادند. به گزارش خبرنگار ما، ماموران پلیس تهران روز هفتم شهریور از دستگیری سه مامور قاچاق در یکی از کارگاه‌های تولیدی در منطقه عشق‌آباد باخبر شدند. اطلاعات اولیه نشان می‌داد دستگیرشدگان در پوشش مامور مبارزه با موادمخدر وارد این کارگاه شده و با تهدید کارگران قصد داشتند دستبردتی میلیونی را رقم بزنند، اما کارگران کارگاه‌های همسایه مانع‌شان شدند. زمانی که ماموران به این کارگاه رسیدند، کارگران سه مامور قاچاق را دستگیر کرده بودند: سپس در بازرسی از خودرو پراید سفیدرنگ آنها یک چراغ‌گردان، چندین رشته دستبند پلاستیکی، باتوم، دو عدد افشانه و همچنین چند دست لباس فرم نیروهای مسلح کشف شد. در چنین شرایطی پرونده به دستور قاضی شعبه ۱۰۱ دادگاه کهریزک به پایگاه نهم پلیس آگاهی ارجاع شد. یکی از کارگران در این‌باره به

سپس مجید دفاعیاتش را ادامه داد و گفت: پدرم خانه‌اش را فروخته و تا هفته آینده پول آن را می‌گیرد. او قبول کرده، دیه آمنة را بدهد من هم خواش می‌کنم، در مجازاتم تخفیف دهید. در تمام این سال‌ها در زندان سختی کشیده‌ام و خیلی خستم‌ام. آشتنگی مجید به حدی بود که قاضی سری -یکی از مستشاران- از او پرسید: چرا این‌طور صحبت می‌کنی مگر معنای حرف‌های ما را متوجه نمی‌شوی؟ مجید جواب داد: متوجه می‌شوم اما انگار کمی حالم خوب نیست. سپس قاضی عزیز محمدی-رئیس دادگاه- گفته‌های مجید در جلسه قبلی محاکمه را برایش یادآوری کرد و گفت: پاد هست که به آمنة می‌گفتی باید هر دو به اتفاق عمل بروید و چشمان هر دو شما را از کلمه در بیاورند. تو آن دختر را بدبخت کردی و زندگی‌اش دگرگون شد. مجید در برابر این حرف‌ها فقط سکوت کرد و بعد از چند لحظه گفت: اشتباه کردم. در ادامه مهدی ربانی، وکیل مدافع مجید در جایگاه حاضر شد و گفت: وقتی آمنة آن گذشت بزرگ را کرد و مجید را باوجود تمام سختی‌هایی که کشیده بود، بخشید این عملش بازتاب زیادی داشت و این نشان می‌دهد جامعه مجید را بخشیده است. شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی زیادی از آمنة تشکر کردند و او را مورد حمایت قرار دادند بنابراین با بخشش آمنة جامعه هم مجید را بخشید. ضمن اینکه بعد از اعلام رضایت آمنة در بیمارستان به دلیل شوکی که به مجید وارد شده بود او که هفته به شدت

حوادث

مجید به دلیل جنبه عمومی جرم اسیدپاشی محاکمه شد

هنوز هم آمنة را دوست دارم



بیمار شد، طوری که مسوولان زندان مجبور شدند او را در بیمارستان بستری کنند. مجید به‌شدت تحت فشار است او به یک فرد کاملاً منفعل تبدیل شده و به سختی می‌تواند صحبت کند. بنابراین در خواست دارم حالا که آمنة مجید را بخشیده، قضات محترم هم به لحاظ جنبه عمومی جرم تخفیف قابل شوند. مجید خودش هم می‌داند کاری غیرقابل جبران و حتی بدتر از قتل انجام داده و خانواده‌اش تاوان کارش را پس می‌دهند. پدر مجید خانه‌ای ۷۰ متری در یکی از مناطق پایین شهر تهران دارد که برای پرداخت دیه آمنة آن را زیر قیمت به محاکمه را برایش یادآوری کرد و گفت: پاد هست که به آمنة حالا باید مستاجر باشند. خواش می‌کنم قضات هنگام صدور رای شرایط خانوادگی مجید و سختی‌هایی که خانواده او هم کشیده‌اند را در نظر بگیرند. بعد از پایان دفاعیات متهم و وکیل مدافش هیات قضات شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران وارد شور شدند و به دلیل مشخص نبودن نوع رضایت و نواقص دیگر، پرونده را برای رفع نقض به دادسرا بازگرداندند و قاضی عزیزمحمدی اعلام کرد بعد از برطرف شدن نواقص درباره حکم مجید تصمیم‌گیری خواهند کرد.

گفتوگو با مجید

مجید موحدی قبل از تشکیل جلسه محاکمه و در حالی که به دلیل ضعف زیاد روی زمین نشسته بود به سؤالات خبرنگار ما جواب داد. پاسخ‌های او نشان‌دهنده

قتل جوان سرباز در هاله‌ای از ابهام

رفته بود. ضمن اینکه روز حادثه هم باز من سر پست بودم و باید در یادگان می‌ماندم. وقتی حسین قتل را انکار کرد، وکیل مدافعش از وی دفاع کرد و گفت: «متهم در تحقیقات مقدماتی مدعی شده دوستش را با چاقو زده، در حالی که پزشکی قانونی تشخیص داده مقتول بر اثر شکستگی جمجمه مرده است.» هیات قضات ایراد وکیل را وارد دانستند و پرونده را برای برطرف کردن نقض به دادسرا فرستادند به این ترتیب پزشکی قانونی یکبار دیگر نظریه خود را تایید کرد. این بار متهم زیر بار نرفت و گفت اعترافات قبلی‌اش کاملاً دروغ بود.

هیات قضات در نهایت رای بر قصاص دادند. رای صادره در دیوان عالی کشور بررسی و نقض تحقیقات گرفته شد و پرونده به دادگاه برگشت. بعد از گذشت

سه معتاد در نقش مامور مبارزه با موادمخدر



دیگر را بستند و شروع به ضرب و شتم ما کردند. آنها با تهدید از ما خواستند محل نگهداری پول‌های کارگاه را به آنها نشان دهیم، ما هم از ترس جان‌مان خواسته‌شان را اجرا کردیم و آنها ۳۰میلیون تومان از کارگاه سرقت کردند، اما زمانی که می‌خواستند فرار کنند، کارگران کارگاه‌های همسایه که صدایمان را شنیده بودند، به کمک آمدند

و در یک چشم بهم‌زدن دست و پای من و شش کارگر

ماموران گفت: در حال کار کردن بودیم که ناگهان یک دستگاه پراید سفیدرنگ که روی سقف آن یک چراغ گردان نصب بود و سه سرنشین داشت، وارد شد. یکی از آنها لباس سربازی و دو نفر دیگر لباس شخصی به تن داشتند و خود را ماموران مبارزه با موادمخدر معرفی کردند و در یک چشم بهم‌زدن دست و پای من و شش کارگر

وضعیت نامناسب روحی و روانی این جوان است.
❧ **از کاری که کردی پشیمانی؟**

بله.

❧ **اما زمان اجرای حکم با آمنة دعوا کردی و فحش دادی چرا؟**

فکر کردم آخر خط هستیم. گفتم حداقل التماس نکنم.

❧ **اما تو بعد از اینکه رضایت گرفتی هم به او فحش دادی؟**

نه یادم نمی‌آید.

❧ **زمان اجرای حکم در اتاق عمل چه اتفاقی افتاد؟**

❧ **بیشتر فکر کن می‌خواستند جشمانت را کور کنند سرم به دستت وصل کردند؟**

فکر کنم فشارم افتاده بود برای همین سرم زدند.

❧ **اما قرار بود اسید در چشمت بریزند؟**

آره یادام آمد قرار بود همین کار را بکنند.

نمی‌دانم چه شد یادم نمی‌آید.

❧ **هنوز هم زندان قزل حصار هستی؟**

نه، به رجایی شهر منتقل شدم.

❧ **به نظر می‌رسد حالت خوب نیست؟**

آره، حال ندارم نمی‌توانم تکان بخورم.

❧ **پزشک معاینه‌ات کرده‌است؟**

دکتر؟ برای چه؟ سرما نخوردم که نه. نرفتم. حالم خوب نیست.

❧ **آمنة رضایت داده و تو بعد از گذراندن دوران حبس می‌توانی بیرون بیایی برنامه‌ای برای آینده‌ات داری؟**

نه.

❧ **می‌توانی کار کنی.**

من باید تا آخر عمرم یک جا بنشینم و منتظر بایرم.

❧ **اما تو مهندسی و می‌توانی کار کنی؟**

من؟ نه بابا چه کاری؟ می‌خواهم یک‌جا بنشینم و منتظر مرگ باشم.

❧ **بعد از اینکه رضایت گرفتی از آمنة تشکر کردی؟**

بله. فکر می‌کنم تشکر کردم.

❧ **اگر کسی که عاشق خواهرت بود او را با اسید می‌سوزاند چه می‌کردی؟**

برای چه؟ مگر خواهرم چه کرده بود؟ آمنة به من فحش می‌داد، به من می‌گفت پسرهای بهتر از تو هستند که من ردشان کردم خواهر من که این کارها را نمی‌کرد.

شش سال روز گذشته دوباره متهم به دادگاه احضار شد اما این‌بار در جلسه دادگاه حاضر نشد این در حالی بود که اولیای‌هم در حضور در جلسه محاکمه سر باز زده بودند و بنابراین وکیل مدافع دو طرف پرونده در مورد این پرونده صحبت کردند. در ابتدا وکیل اولیای‌دم دلایل خود را درباره گناهکار بودن حسین بیان کرد او روی شکستگی دو دندان مقتول تاکید کرد و گفت کسی از این موضوع خبر نداشت و فقط متهم این موضوع را می‌دانست و در بازجویی‌ها مطرح کرد، بنابراین او از ماجرای قتل باخبر است. سپس وکیل مدافع متهم در جایگاه حاضر شد. او گفت: موکل من دو سال بی گناه در زندان بود و حالا از ترس اینکه می‌ادا دوباره بی گناه زندانی شود، به دادگاه نمی‌آید. او هیچ نقشی در این قتل نداشته و آنچه گفته القات‌هایش بوده است.

به این ترتیب هیات قضات شعبه ۷۱ یکبار دیگر بعد از شش سال برای صدور رای پرونده مرگ مرموز سرباز جوان وارد شور شدند.

و آنها را دستگیر کردند. با آغاز بازجویی‌ها از سه جوان دستگیرشده به‌نام‌های فرزاد -۴۰ساله- حسن -۲۲ساله- و حسین -۲۵ساله- مشخص شد هر سه از یک سال قبل به عنوان کارگر در یک مغازه مکانیکی مشغول به کار شده‌اند و به موادمخدر شیشه اعتیاد دارند. تحقیقات بیشتر فاش کرد حسن قبل از آغاز به کار در مکانیکی دوران سربازی‌اش را در نیروی انتظامی گذرانده و بعد به دلیل آشنایی با کارهای پلیسی پیشنهاد سرقت از کارگاه‌های تولیدی را مطرح کرد. بعد از پوشش مامور موادمخدر به این اماکن یورش ببرند و با تهدید کارگران پول‌ها را سرقت کنند. همچنین مشخص شد اعضای این باند سرقت، پیش از این به دو کارگاه دیگر در منطقه شهری و قلعه‌نو نیز دستبرد زده‌اند. سرهنگ کارآگاه حسین عباسچیان، رئیس پلیس آگاهی تهران، با اعلام این خبر از صدور مجوز انتشار تصویر بدون پوشش متهمان خبر داد و از مالکان کارگاه‌هایی که با این شیوه از آنها سرقت شده، خواست به پایگاه نهم پلیس آگاهی مراجعه کنند.

بیمارستان شدند. دو خدمه قطار و راننده تریلی نیز در میان مجروحان بودند.

۱۵۰ کشته در سیل کامبوج

واحد مرکزی خبر: سازمان مقابله با شرایط بحرانی کامبوج اعلام کرد سیل از اول ماه اگوست تاکنون بیش از ۱۵۰ کشته در این کشور بر جا گذاشته است. به گفته کنووی، سنجخی سازمان مقابله با شرایط بحرانی کامبوج، سیل در حومه رودخانه مکنونگ و دیگر نقاط، به بیش از ۲۷۱ هکتار زمین کشاورزی - زمین کاشت برنج - آسیب رساند و ۹۰۴ مدرسه و ۳۶۱ معبد بودایی نیز در پی سیل تخریب شدند با آسیب دیدند. توفان و سیل در چهار ماه اخیر در کشورهای جنوب شرق آسیا همچون چین و ژاپن و همچنین کشورهای جنوب آسیا هزاران کشته بر جا گذاشت.

برخورد قطار با تریلی

یونایتدپرس: ۳۰ مسافر در برخورد یک دستگاه تریلی با قطار در شمال کالیفرنیا مجروح شدند. به گفته مقامات راه‌آهن «آمترک» این حادثه در «کونتراکاستا» اتفاق افتاد و تریلی هنگام عبور از ریل راه‌آهن با قطار مسافری برخورد کرد، از ۲۰۴ مسافر قطار، ۳۷ نفر مجروح و راهی

سقوط مرگبار لیدر از سکوی تماشایان

آسوشیتدپرس: سقوط یکی از لیدرهای فوتبال تیم‌های دانش آموزی لس آنجلس به مرگ او انجامید. این حادثه روز

حادثه‌ها

میوه‌فروش

گردنبندقاچ را به تله انداخت

■ **شرق:** شاگرد یک میوه‌فروشی با تعقیب دو سارق گردنبندقاچ محل اختفای آنها را به ماموران پلیس لس‌داد، به گزارش خبرنگار ما، در ساعت ۱۴ روز دوم مهر امسال زن جوانی با مراجعه به گشت کلانتری شهرک ولیعصر(عج) به ماموران اعلام کرد گردنبند همراهش توسط دو موتورسیکلت‌سوار به سرقت رفته و فروشنده‌ای که وی در حال خرید از میوه‌فروشی او بود، آنها را تعقیب کرده است. با گذشت یک ساعت از زمان سرقت، زن مالباخته به همراه میوه‌فروش محل، بار دیگر نزد ماموران مراجعه کرد. شاگرد میوه‌فروش به ماموران گفت: زمانی که سرقت انجام شد، من شاهد آن بودم و تصمیم گرفتم به تعقیب دزدان بروم برای همین به سرعت سوار موتورسیکلت شدم و آنها را حدود نیم‌ساعت تعقیب کردم تا اینکه سارقان پس از آنکه اطمینان پیدا کردند کسی در تعقیب آنها نیست، مقابل یک قهوه‌خانه توقف کردند و در حال حاضر در آنجا هستند. با توجه به اظهارات میوه‌فروش، بلافاصله ماموران گشت کلانتری به همراه مالباخته به قهوه‌خانه موردنظر رفتند و یکی از سارقان به نام مسعود-۲۳ساله - را دستگیر کردند و در بازرسی از او موفق به کشف یک قبضه سلاح سرد و مبلعی وجوه نقد شدند. با انتقال متهم به کلانتری، مالباخته وی را به عنوان یکی از سارقان شناسایی کرد. متهم که چارهای جز اعتراف نداشت، به ماموران گفت پس از سرقت، هم‌دستش گردنبند را با خود برد تا بفروشد. با تشکیل پرونده مقدماتی و به دستور شعبه سوم دایاری دادرسی امور جنایی تهران، پرونده برای رسیدگی تخصصی در اختیار کارآگاهان پایگاه پنجم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت. کارآگاهان نیز با مراجعه به بانک اطلاعات مرجعان سلب‌بعدال اطلاع پیدا کردند مسعود از مجرمان سابقه‌دار است که پیش از این نیز به اتهام سرقت و موادمخدر در سال‌های ۸۷ و ۸۹ دستگیر و روانه زندان شده است و در حال حاضر نیز اعتیاد شدیدی به مصرف موادمخدر از نوع شیشه دارد. بنا بر این گزارش در حال حاضر تحقیقات برای دستگیری مرد فراری ادامه دارد. سرهنگ کارآگاه علی اکبر اسدی، رئیس پایگاه پنجم پلیس آگاهی تهران بزرگ با اشاره به اینکه انگیزه متهم از سرقت تأمین هزینه مواد مصرفی بود، گفت: با شناسایی تعدادی از مالباختگانی که مورد سرقت و گردنبندقای قرار گرفته بودند، متهم از سوی تعدادی از آنها که غالباً زنان جوان و میانسال بودند، شناسایی و با جمع‌بندی اطلاعات به‌دست‌آمده از مالباختگانی که در محدوده تقریبی سرقت‌هایش مشخص شد، او ادامه داد: از همه مالباختگانی که به این شیوه و توسط سرنشینان یک دستگاه موتورسیکلت سبزرنگ و در محدوده جنوب و جنوب‌غرب تهران، به ویژه در شهرک ولیعصر(عج)، مورد سرقت و گردنبندقای قرار گرفته‌اند، دعوت می‌شود برای شناسایی متهم و طرح شکایات خود به پایگاه پنجم پلیس آگاهی مراجعه کنند.

سارقان حرفه‌ای بار دیگر به زندان افتادند

■ **شرق:** دو سارق که بارها محکوم شده‌اند، این بار به اتهام ده‌ها فقره سرقت خودرو و لوازم داخلی آن به زندان افتادند. به گزارش خبرنگار ما، راز سرقت‌های این باند وقتی برملا شد که ماموران حین گشت‌زنی در خیابان چهارم افسریه به دو نفر که تلاش می‌کردند یک دستگاه خودرو پراید را سرقت کنند، روبرو شدند. این دو نفر به نام‌های حسن -۲۴ساله- و مهدی -۳۰ساله- با دین ماموران تلاش کردند با پای پیاده فرار کنند اما افسران پلیس به آنها مجال ندادند و بازداشت‌شان کردند. با انتقال دو متهم به کلانتری تحقیقات از آنان آغاز و معلوم شد آنان چندین مرتبه به اتهام سرقت خودرو و وسایل داخلی آن بازداشت شده‌اند. به این ترتیب متهمان به دستور سپیدنامه، بازپرس شعبه یکم دادرسی محلاتی به پایگاه ششم پلیس آگاهی منتقل شدند تا تحت بازجویی‌های فنی قرار گیرند. شواهد حاکی از آن بود که دو متهم هر بار پس از آزادی از زندان نقشه سرقت تازه‌ای را طرح‌ریزی کرده و اجرا کرده‌اند که آخرین سرقت آنها به روز دوم شهریور مربوط می‌شود که حین سرقت به دام افتادند. یکی از ترندهای حسن و مهدی سرقت وسایل داخلی خودروهای پارک‌شده کنار خیابان‌های خلوت بود که با استفاده از یک دستگاه خودرو کنار خودرو مورد نظرشان توقف می‌کردند و بعد از باز کردن قفل در با صندوق عقب وسایل داخل خودرو شامل رادیو،بخش، زاپاس و… را می‌زدیدند. سرقت‌ها در جریان بازجویی‌های فنی صدها فقره متهم از داخل خودرو را بر عهده گرفتند و دو نفر به نام‌های رضا و حمید را به‌عنوان مالخر معرفی کردند. به این ترتیب این دو نفر نیز بازداشت و در بازرسی از مخفیگاه‌شان تعداد زیادی وسایل سرقتی خودرو کشف شد. حسن و مهدی انگیزه‌شان را از این سرقت‌ها، اعتیاد به موادمخدر اعلام کردند و گفتند: اوایل چون خماری فشار زیادی به ما آورده بود، تصمیم گرفتیم برای تأمین پول مواد مصرفی‌مان سرقت کنیم. بعد از آن کم‌کم اعتیاد ما به موادمخدر به اعتیاد به سرقت تبدیل شد. بر اساس این گزارش تاکنون ده‌ها نفر از شهروندانی که اموال یا خودرویشان توسط این دو متهم سرقت شده، با حضور در پلیس آگاهی اموال‌شان را شناسایی کرده‌اند. سرهنگ عباسعلی محمدیان، رئیس پلیس آگاهی تهران با اعلام این خبر از شهروندانی که در ماه‌های اخیر و در محدوده افسریه، بلوار ابوذر و نبرد، خودرو و وسایل داخل خودرویشان سرقت شده، دعوت کرد برای طرح شکایت به پایگاه ششم پلیس آگاهی مراجعه کنند.